

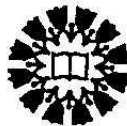
۲۰۳۱۰۹۹

تاریخ حقوق ایران
(مادها و هخامنشیان)

دکتر سهراب بیگزاده

تهران

۱۳۹۷



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

سرشناسه: بیگزاده آروق، صفر، ۱۳۴۶-

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ حقوق ایران (مادها و هخامنشیان) / صفر بیگزاده.
مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: شش، ۱۱۴ ص.

فروست: «سمت»؛ ۲۲۰۸. تاریخ/ باستان‌شناسی؛ ۶۴.
شابک: ۵-۰۶۳۴-۰۲۰۰۰-۹۷۸-۹۰۰۰۰ ریال

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Safar Beigzadeh. History of Law in Iran (the Medes and the Achaemenids).

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: حقوق - ایران - تاریخ - پیش از اسلام

موضوع: Law -- Iran -- History -- to 633

شناس افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

The Organization for Researching and Composing University Texts in the Humanities (SAMT), Institute for Research and Development in the Humanities.

رده‌بندی کنگره: ۳۹۷ ت ۲ ب ۹ / ۱۲۰ KMH

رده‌بندی دیویی: ۳۰۰/۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۳۳۵۱

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی



تاریخ حقوق ایران (مادها و هخامنشیان)

دکتر صفر بیگزاده [استادیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)]

ویراستار: عادلہ مشایخی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

تعداد: ۱۰۰

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سمت

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشنده‌گان و عوامل

توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،

روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

@sazman_samt

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۷	بخش نخست: پادشاهی ماد
۷	۱. مقدمه
۹	۲. قلمرو مادیها
۱۱	۳. منابع تاریخی دوران ماد
۱۳	۴. «حقوق» در دوره ماد
۲۴	بخش دوم: پادشاهی هخامنشیان
۲۴	۱. مقدمه
۲۷	۲. منابع تاریخی دوران هخامنشیان
۳۰	۳. حقوق در دوره هخامنشیان
۳۰	الف) «حق شاهی» و مشروعیت سلطنت
۳۸	ب) حقوق خانواده
۴۳	ج) نظام قانون گذاری
۵۴	د) قضا و داد گستری
۶۳	ه) وکالت
۶۳	و) حقوق جزا
۷۲	ز) حقوق عمومی
۸۵	ح) حقوق اداری
۸۸	ط) حقوق گمرکی
۹۰	ی) حقوق تجارت
۹۵	ک) حقوق خصوصی
۱۱۴	منابع

پیشگفتار

۱. موضوع «تاریخ حقوق ایران پیش از اسلام» را به دلایل گوناگون انتخاب کرده‌ام که در میان همه آن‌ها، «عشق به ایران» و «علاقه به دانش حقوق ملی» عمده‌ترینشان بوده و هست. از هدف‌های مهم این نوشته، بررسی و تحقیق در این باره بوده که آیا در ایران، حقوق به معنای واقعی آن، با وجود اسلام به این سرزمین ظهور یافته است یا نه؟ و آیا پیش از این رویداد تاریخی، رفتار و سلوک مردم حاضر در «ایران»، قانونمند و حقوقی بوده است یا خیر؟ البته در این طریق، به‌جد کوشیده‌ام «حقوق‌بافی» و «نامستندگویی» برخی تاریخ‌نویسان، به ویژه برخی نویسندگان تاریخ حقوق، به‌اصطلاح نویسندگان تاریخ حقوق پیش از اسلام را آشکار کنم؛ آن‌ها که به جای دقت و ژرف‌نگری، تاریخ حقوق ملتی که صدها سال بخش بزرگی از جهان متمدن آن روز را تحت فرمانداری و استیلای خود داشته، به جای استناد به یافته‌های باستان‌شناسی و متون معتبر تاریخی، بی‌پروا به مدد استنباط‌های نابجا و ناموجه، تاریخی غیرمستند و مبهم از حقوق پیش از اسلام ساخته و واقعیت را به گونه‌ای نادرست و دیگرگون جلوه داده‌اند.

۲. «حقوق» به معنای قواعد و نظامات الزام‌آور و دارای ضمانت اجرا که به ویژه دارای قدرت اجرایی در باب همگان، اعم از فقیر و غنی و زورمند و ناتوان است، بی‌شک نتیجه «فکر عدالت‌جویی» و «اندیشه نظم‌خواهی» است و آفریده کسانی است که «حداسته‌اند» «نظم» را و یا «عدالت» را فراهم آورند، «قدرت بی‌حد و لجام گسیخته» را به قید بکشد و آشکار است که صرفاً زائیده فکر یا اندیشه اندیشمندان نیست، بلکه «قدرت» نیز، خواه از سوی مردم و خواه از سوی صاحبان قدرت، همواره در ایجاد، شکل‌گیری و دوام و استمرار آن نقش مؤثر داشته است و شاید بتوان گفت آنچه حد فاصل «عرف» و «حقوق به معنای عام» محسوب می‌شود، وجود ضمانت اجرا از طریق اعمال قوه قاهره و برخاسته از قدرت حاکمه است.

۳. نخواستہام رنج گذشتگان و معاصران را در نگارش مقالات و کتاب‌های راجع به حقوق ایران، به ویژه در بخش «پیش از اسلام»، کوچک بشمارم و با خرده‌گیری، از بزرگی و ارزش آنان بکاهم. با این رویکرد و برای شناخت آنچه در این باب نگارش یافته بود، کلیه مقالات مرتبط با موضوع را با رجوع به «فهرست مقالات و کتب حقوقی» استخراج و مطالعه کردم. البته حاصل این بررسی چندان سودمند نبود و در عین قلت، بیشتر به «تاریخ‌بافی» و «افسانه‌سرایی» شباهت داشت تا تحقیق و تفحص؛ اما به هر حال، مندرجات این نوشته‌ها دست کم برای نشان دادن راهی که نباید رفت و گاه برای آموختن آنچه باید انجام داد سودمند بودند. لایل مختلف، به ویژه پراکندگی منابع در خصوص دوران پیش از اسلام، به ویژه دوران مادها و اشکانیان و تا حدی اوایل دوره هخامنشی و در بیشتر موارد، کمبود متجیرکننده منابع، در کار نگاشته شدن متون مربوط به خط پهلوی، می‌تواند توجیه‌کننده عدم اقبال حقوق‌دانان به این بخش از تاریخ حقوق باشد و شاید همین امر بتواند - ولو به غلط - پناه بردن به افسانه و اساطیر را در این بخش از تاریخ حقوق ایران توجیه کند.

از آنجا که مورخان قدیم و جدید، بسیار اندک بخشی مستقل در باب حقوق مطرح کرده‌اند و بیشتر به وقایع تاریخی پرداخته‌اند و نگاهشان، خواه به عنوان روایتگر تاریخ و خواه در مقام تحلیلگر آن، حلقه بسته بوده، ایراد، بر آنان نیست که نخواستہاند یا نتوانسته‌اند تحلیلی حقوقی از وقایع تاریخی ارائه دهند. این نگاهی حقوقی به زوایای تاریخ حقوق ایران پیش از اسلام داشته باشند. از این رو، به ناچار غالب متون معتبر تاریخی مرتبط با این دوران تاریخی مطالعه شد و بدیهی است که در این خصوص رجوعی به کتب نامستند کرده‌ام و نه ذکر از آن‌ها در این نوشته وجود دارد. در مطالعه متون، سرچشمه‌ای، صراحتاً یا تلویحاً، حاوی نکته‌ای حقوقی بود یادداشت می‌شد و چاره‌ای نبود، جز خواندن تمام و کمال و گاه چند باره کتبی که حالت «تک‌نگاشت» داشتند، مثل تاریخ ماد اثر دیونوف؛ و البته بار گران خواندن برخی ترجمه‌های متکلف و طاقت‌سوز، مانند تاریخ شاهنشاهی هخامنشی - نوشته اومستد نیز جزء مشکلات بود.

به دلیل ماهیت این کتب آنچه حاصل می‌شد عمدتاً تاریخی بود و ای بسا حاصل خواندن یک کتاب چند صد صفحه‌ای، چیزی بیش از چند «فیش» که محتویات آن‌ها نیز تماماً و مستقلاً نمی‌توانست در نگارش تاریخ حقوق به کار آید نبود. با توجه به اعتباری که برخی از متون تاریخی داشته‌اند و اینکه محتوای متن حاضر، بررسی «حقوق» است، نه «تاریخ»، در تمام مواردی که مورخان و باستان‌شناسان صاحب اعتبار، مطلبی را گفته‌اند، تا آنجا که به

موضوع بحث مربوط می‌شده، «عیناً» مطالب آن‌ها را ذکر کرده‌ام؛ زیرا به هیچ وجه در مقام داوری شخصی درباره آن‌ها نبوده‌ام، بلکه هدف، روشن ساختن «تاریخ حقوق» بوده است و از این رو اگر در باب «وضعیت طبیعی ایران»، «نحوه ورود آریاییان» یا «پادشاهان سلسله‌های پیش از اسلام» و حتی «نقل قول‌های مورد استناد» عین مطالب کتابی را برداشت کرده‌ام، از روی قصد بوده است، نه از سر «کاهلی».

۴. «ایرانیان هیچ سهمی در نوشتن تاریخ خود نداشته‌اند»^۱ این گفته اگرچه اغراق آمیز می‌نماید، اما به واقع چندان دور از واقعیت نیست؛ به ویژه در تاریخ پیش از اسلام و به شکل ویژه‌تر در باب تاریخ پیش از ساسانی‌ها. به این علت در پژوهش‌های تاریخی باید به منابعی رجوع کرد که «دگران» در خصوص «ایرانیان» نوشته‌اند، همچنان که حتی امروز نیز باید برای اطلاع از تاریخ ایران به نوشته‌های همان‌ها مراجعه شود. اگر در روزگار باستان، تاریخ ایران را «هرودت» یا «گزنقون» و یا «کسیاس» نوشته‌اند، امروز اشخاصی مانند «گیرشمن»، «کامرون»، «اومستد» و «بریان» به این امر مشغول‌اند.^۲

علاوه بر متون سنگ‌نبشته‌های آئودوس، بابلی و ایرانی، عمده‌ترین مطالب در مورد ایران در تواریخ مورخان یونانی قابل ملاحظه‌اند. به هر حال با توجه به جنگ‌ها و جدال‌های موجود میان ایرانیان و یونانی‌ها، چه به عنوان دو دشمن و چه به عنوان «غالب و مغلوب» باید متوجه بود که در روایت تاریخ ایران، همواره قلم در کف یگران بوده است؛ مضافاً اینکه مورخان مذکور، بیشتر از آنکه می‌دانسته‌اند، نوشته‌اند و در این میان، گاهی بی‌گناه و افسانه و تاریخ را با هم مخلوط کرده‌اند.

۵. مطالعه منابع موجود تاریخی نشان می‌دهد که چه سنگ‌نبشته‌ها و چه تواریخ مکتوب، بیشتر به ذکر جنگ‌ها و پیروزی‌ها یا شکست‌ها پرداخته‌اند و ایران را، ذکر وضعیت اجتماعی یا حقوقی مردم بسیار کم دیده می‌شود. در بین نوشته‌های مربوط به جنگ‌ها و جدال‌ها، بیشتر در مورد باغ‌ها و پردیس‌ها و اماکن سخن گفته شده است و البته گفتار در باب خیانت‌ها و دسیسه‌ها نیز کم نیست. پرواضح است که در چنین وضعیتی اگر ناحیه‌ای در جنگ وارد نمی‌شد یا موضوع دسیسه یا خیانتی نبود از کانون توجه دور می‌ماند و

۱. گرشویچ، تاریخ ایران (دوره هخامنشیان)، ص ۱۱.

۲. البته برخی مورخان ایرانی با این نظر مؤلفان تاریخ کمبریج مخالف‌اند و دلایل بسیاری دارند بر اینکه ایرانیان به خوبی تاریخ خود را نگاشته‌اند، اما در طول زمان، این تواریخ از دست رفته‌اند (ر.ک.: محمدی ملایری، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام، ص ۱۴۹ و بعد).

جایی برای ذکر در تاریخ نمی‌یافت. از این رو، برای ملاحظه وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران، خواه در زمان مادها و خواه در دوره هخامنشیان و دیگران، این تواریخ آگاهی بسیار اندک و قلیلی در باب شرق و شمال امپراتوری و ناحیه سیستان یا حاشیه خزر و خلیج فارس به دست می‌دهند. البته حال خطه یزد و کرمان نیز از این وضعیت مستثنا نیست. خواننده یا پژوهشگر تاریخ باید بسیار منتظر بماند تا به بهانه حضور اسکندر در ایران، مورخان یونانی از آن سوی ایران نیز سخن بگویند و دست کم، تاریخ دوره‌ای کوتاه از این مناطق را نیز گزارش کنند؛ هرچند که در این دوران نیز مطلب درخور توجهی در باب برخی مناطق، مثل حاشیه خزر به دست نمی‌آید.

باب دوم، وصف، برای پژوهشگر، به ویژه پژوهنده تاریخ حقوق، دست‌مایه‌ای برای کشف وضعیت حقوقی مناطق مذکور نیست و اگر حکمی در باب حقوق این دوران از تاریخ حقوق ارائه می‌شود، بیشتر مورد است به بخش غربی ایران پیش از اسلام، یعنی ناحیه‌ای بین تهران کنونی تا آن سوی عراق. بدین ترتیب در خصوص سایر مناطق ایران، گاه باید از روی قرائن موجود دست به استباط و همیم زد و گاه همین قرائن هم وجود ندارند و باید منتظر ماند تا دلایل و قرائنی یافت شود.

۶. در بررسی تاریخ حقوق، گاه نرسیده عمدتاً بر تاریخ به معنای مصطلح و «علمی» آن بوده است و از این رو، داخل در تاریخ اساطیری ایران نشده‌ام، هرچند که در همین متون نیز هر جا از «هوشنگ پیشدادی» سخن گفته شده با صفت «پرادات» (pradhāta) همراه است که از دو واژه «پَر» به معنای «پیش» و «دات» به معنای «داد» ترکیب شده و به عبارت دیگر، یعنی «پیش‌داد» یا «نخستین قانون‌گذار».^۱

۷. در خصوص «آیین زرتشتی» و تأثیر آن بر حقوق در دو مادها و هخامنشیان چیزی نگفته‌ام؛ از آن رو که رسمی نبودن دین زرتشتی در میان هخامنشیان معبر اشاره اغلب مورخان است و در زمان مادها نیز اگرچه برخی مانند دیاکونوف این دین را از پیش رسمی آن دوران محسوب کرده‌اند، اما اشاراتی در تواریخ مادی در خصوص رفتار بر اساس قوانین زرتشتی مشاهده نمی‌شود. بررسی در باب آیین زرتشتی را به دوره ساسانیان واگذار کرده‌ام و در همان جا به طور مستوفی در خصوص تأثیر حقوق زرتشتی و اجرای آن در ایران خواه در دوره ساسانی و خواه پیش از آن سخن گفته خواهد شد.

۱. ر.ک: سرگذشت قانون، ص ۱۲۳-۱۲۴. نیز بیانی، تاریخ ایران باستان، ج ۲، ص ۳۷. برای دیدن تاریخ اساطیری ایران و اشارات مربوط به تاریخ حقوق نگاه کنید به: پیرنیا، عصر اساطیری تاریخ ایران.

۸. در نگارش مطالب به واسطه ماهیت آن، موضوع به عنوان «پژوهشی حقوقی» لحاظ و از این رو، همانند یک «پرونده حقوقی» با آن رفتار شده است و در نتیجه تا حد امکان کوشش به عمل آمده تا در استنباط از دلایل و اسناد، حد و مرز استنباط حقوقی رعایت شود و به جای «استنباط کردن»، خیال و پندار با قلم همراه نشود. درست است که گاه «غرور ملی» یا «مجال باز استنباط» می تواند پژوهشگر را به قلم فرسایی و دامنه پردازی بکشاند، اما «مبانی زبانی حقوق» اجازه نمی دهد که مثلاً از فلان بیت *شاهنامه*، بحثی مطول در باب «حقوق زن» پرداخته شود یا به استناد فلان اسطوره «حقوق کودک» طراحی گردد.

از این گونه «استنبادهای نادرست» متأسفانه در برخی از کتب تاریخ حقوق ملاحظه می شود. یکی پس از ذکر داستانی در مورد ابوریحان بیرونی و سلطان محمود غزنوی نوشته است: «این حکایت، راست یا دروغ نموداری است از استبداد مطلق برخی سلاطین» که معلوم نیست به لحاظ حقوقی چرا می توان در صورت «دروغ بودن» این حکایت، چنین «نموداری» از حقوق دوره مربوط ترسیم کرد؛ بازیگری نوشته است: «پیدایش پادشاهی و حکومت مرکزی یکصد و پنجاه ساله مادها موجب شد که در پرتو «اسب سواری» اجرای احکام دولت مرکزی در میان دهکده های مختلف میسر گردد» درست است که مادها به داشتن اسب های خوب و تیزرو مشهور بوده اند، اما نقش «اسب سواری» در «اجرای احکام» و مآلاً در «حقوق مادها» جای تأمل دارد.

۹. برای استحکام بخشیدن به آنچه در این نوشته آمده است، گاه در حد وسواس به منابع مختلف و شواهد فراوان در پاورقی اشاره کرده ام و از منابع مختلف شاهد آورده ام؛ اما در هر حال با رعایت اصول «ادبیات حقوقی» همواره مستند نویسی کوتاه گویی را بر «ادعای پردازی» و «نامستند گویی» ترجیح داده ام و از «پرگویی» پرهیز کردم. تمام کوشش و قصدم این بوده است که آنچه به عنوان «تاریخ حقوق» نوشته می شود راه محققان بعد از راه موار سازد و آنان را به بی راهه نکشاند و به جای «توشه سنگین و نامستند»، «چراغی ولو کم سو» برای گام زدن در این راه برای آنان فراهم شود. از این رو کتاب حاضر که از برخی جنبه ها نخستین کتاب درباره حقوق دوران مادها و هخامنشیان است، نه همه جنبه های تاریخی این دوران را دربر دارد و نه می توانسته چنین باشد و البته خواست نویسنده نیز این نبوده که برخی مطالب بدون فراهم آمدن گفتار مربوط به دوران ساسانی در این کتاب بیاید.

۱۰. کوشیده ام خواننده این کتاب را که علاقه مند به تاریخ حقوق است، درگیر اختلاف نظرهای مورخان درباره موضوعات مطرح در دوران مادها یا هخامنشیان نکنم و از

این‌رو، برای آنان که به این گونه موضوعات علاقه دارند، در پاورقی کتاب، منابع و مآخذ مربوط را برای مراجعه و مطالعه بیشتر ذکر کرده‌ام.

۱۱. در آغاز گمان نمی‌کردم درباره تاریخ ایران پیش از اسلام نوشته‌ها و گفته‌ها، به‌ویژه در سخن از دوران هخامنشی و ساسانی، چنین بسیار و پرمایه باشد. از این‌رو، نمی‌شد همه مطالب را در یک کتاب ارائه کرد؛ به‌ویژه درباره دوران ساسانیان که گفتگوها درباره آن بسیار است و به دلیل وجود متون تاریخی فراوان از آن دوره و حضور آیین زرتشتی، به‌عنوان مذهب رسمی کشور، نیازمند پژوهشی ویژه است و امیدوارم زمان و فرصتی دیگر برای انتشار آن‌ها فراهم شود.

۱۲. شیوه سجاوندی و رسم الخط کتاب کنونی به گونه‌ای است که مورد تأیید سازمان محترم سمت است و با آنچه نویسنده از آن پیروی می‌کند و سال‌ها بر همان آیین نوشته است تفاوت‌ها و اختلافات درخور توجه دارد. از این‌رو، پیروی از آن در این کتاب از جهت رعایت مقررات رجوع در سازمان سمت است.

۱۳. فراهم آمدن این متن فقط برآمده از کوشش نویسنده نبوده است، بلکه بسیاری از یاران، همراهان و بزرگان صاحب‌قلم را یاری کرده‌اند که ضمن سپاس از همه آنان، به‌ویژه جا دارد از استاد بزرگوار دکتر سید حسین صفایی، که در تمام مقاطع تحصیل در رشته حقوق از دانش ایشان بهره‌ها برده‌ام، درباره محتویات این کتاب نکته‌سنجی و راهنمایی عالمانه کرده‌اند، و نیز استاد ارجمند و فروتن رشت‌باستان‌شناسی دانشگاه تهران دکتر علی‌اکبر سرفراز به غایت سپاسگزاری کنم که در نشان دادن راه درست پژوهش در متون تاریخی و زدودن برخی ابهام‌ها کمک بسیار کرده‌اند. همچنین است مدرکازان و همکاران گرامی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، به‌ریت جناب آقای دکتر محمدرضا سعیدی (معاون گرامی نظارت علمی-فنی)، جناب آقای دکتر محمد جوان (مدیر محترم طراحی و تدوین)، سرکار خانم عادلہ مشایخی و سرکار خانم مژگان آیین پریان که بی‌دریغ و دلسوزانه در آماده‌سازی، تصحیح، تدوین، نهایی‌سازی و چاپ این اثر یاری کرده‌اند سپاسگزاری می‌کنم.